

بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی با بحران مالی شرکتها و حق الزحمه حسابرسی

دکتر علی اکبر نونهال نهر

استادیار گروه حسابداری، واحد بستان آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، بستان آباد، ایران.

anonahal@gmail.com

حسین رحمانی نوجه ده

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد بستان آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، بستان آباد، ایران. (نویسنده مسئول).

Rahmani.h1994@gmail.com

زهرا نصیری

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد بستان آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، بستان آباد، ایران.

Zahranasiri1213@gmail.com

شماره ۳۰ پاییز ۱۳۹۹ (جلد دوم) صص ۶۸-۸۲
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی با بحران مالی شرکتها و حق الزحمه حسابرسی می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، ۱۱۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره‌ی زمانی ۶ ساله بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ مورد تحقیق قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و داده‌های مربوط برای اندازه‌گیری متغیرها از سایت کدال و صورتهای مالی شرکتها جمع‌آوری شده و در اکسل محاسبات اولیه صورت گرفته سپس برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار ایویوز و از رگرسیون چندگانه با الگوی داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین ارتباطات سیاسی و بحران مالی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. همچنین، بین ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

مقدمه

قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، یکی از موضوع‌های مورد علاقه بسیاری از محققان حسابرسی است و تاکنون مطالعه‌های زیادی در این زمینه انجام شده است. گرچه روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعات تا حدودی با یکدیگر متفاوت است، ولی اکثر آنها یک هدف عمده را دنبال می‌کنند و آن تشخیص عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی است. آگاهی از این عوامل، هم برای صاحبکار و هم برای حسابرس مفید است. از طرف دیگر با رشد رقابت در حرفه حسابرسی، مؤسسات حسابرسی ضرورت ارائه خدمات خود باکیفیت هر چه بهتر و بهای کمتر به بازار را بیشتر دریافته‌اند. برای رقابت بر پایه‌ای به‌غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، مؤسسات حسابرسی به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهاد برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را به حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند (تنانی و نیکبخت، ۱۳۸۹). حق الزحمه حسابرسی شامل هر گونه وجهی است که بابت ارائه خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس

یا مؤسسه حسابرسی پرداخت می‌شود. در واقع بهای هر خدمت یا کالا، قیمتی است که مصرف کننده برای استفاده از آن حاضر به پرداخت است. اما در عمل این فرمول در کشورهای فاقد اقتصاد رقابتی، کارایی نداشته و قیمت را با انحصارات یا حداقل مزد معیشتی تعیین می‌کند (پورحیدری و گل محمدی، ۱۳۹۴). در ادبیات اقتصادی، هنگامی که مشاهده کیفیت امکان پذیر نباشد، قیمت را معیاری برای کیفیت در نظر می‌گیرند (شاپیرو، ۱۹۸۳). حق الزحمه حسابرسی نیز معیاری از کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود (کراسول و همکاران، ۱۹۹۵).

مبنای تعیین حق الزحمه حسابرسی، مدت کارکرد حسابرسان مامور انجام کار است که متناسب با پیشرفت کار صورت حساب می‌شود. نرخ حق الزحمه ساعتی هر یک از حسابرسان بر حسب مهارت و تجربه و در نتیجه میزان مسیولیتی که به عهده دارند، متفاوت است. طبق بررسی های به عمل آمده، حق الزحمه حسابرسی، شامل حق الزحمه ساعات کار مستقیم، سایر هزینه های مستقیم (از قبیل هزینه های فوق العاده ماموریت خارج از مرکز و ایاب و ذهاب) و سربار قابل تخصیص، در مجموع به ریال برآورد می‌شود (داروغه حضرتی، ۱۳۸۹). حق الزحمه حسابرسی به صورت قرار داد بین حسابرس و صاحبکار، پیش از آغاز کار حسابرسی تعیین می‌شود. با وجود این، معمولاً بندهای "فرار" داخل قرارداد گنجانده می‌شود که به حسابرس اجازه انجام کارهای اضافی و دریافت هزینه اضافه کاری‌ها را در وضعیت غیرقابل مشاهده، از جمله وجود مشکل تداوم فعالیت یا عوامل موثر بر ریسک حسابرسی، می‌دهد. قراردادهای حسابرسی معمولاً مختص به رویدادهای غیر مترقبه‌ای نیست که منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌شوند (پالمروس، ۱۹۸۹).

از طرف دیگر عواملی که منجر به ورشکستگی یک شرکت می‌شوند، یکباره ظهور نمی‌کنند. نشانه های وجود بحران مالی یک شرکت بسیار زودتر از ورشکستگی نهایی نمایان می‌شوند. بحران مالی وضعیتی است که شرکت برای کسب منابع مالی کافی جهت عملیاتش ناتوان است و در انجام امور خود دچار زحمت می‌شود (مک کی، ۲۰۰۶). در این وضعیت شرکت برای مواجه شدن با تعهدات خود در سر رسید ناتوان است در این وهمنچنین شرکت در تولید وجه نقد کافی برای رفع نیازهایش همچون پرداختها به وام دهندگان و ... توانایی کافی را ندارد (جاتتادج، ۲۰۰۶). در ادبیات مالی تاکید بر این است که شرکتهای سالها قبل از ظهور ورشکستگی وارد چرخه بحران مالی می‌شوند و رویدادهای اقتصادی مختلفی در دوره قبل از ورشکستگی اتفاق می‌افتد.

سال های اخیر در حالی سپری شد که جهان در عرصه اقتصادی، شاهد ورشکستگی شرکت های عظیمی چون انرون، ورلد کام، گلوبال کروسینگ، رابرت مکس ول، سوئیس ایر، فلیپ هولزمن و... بود. نتایج تحقیقات نشان داد گزارشگری این شرکت ها در اواخر عمر و نزدیک به ورشکستگی، از کیفیت لازم برخوردار نبوده و کیفیت گزارشگری این شرکت ها در سطح پایینی قرار داشته است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، شاخص ارتباطات سیاسی متغیری می‌باشد که با استفاده از روابط سیاسی مدیران اندازه گیری می‌شود. این نسبت با توجه به متغیرهایی که در مطالعات اخیر مورد استفاده قرار گرفته اند برتری‌هایی دارد چراکه براساس اینکه آیا شرکت‌های دولتی و یا غیر دولتی از این امر پیروی می‌کنند اندازه گیری می‌شود (لین و سو، ۲۰۰۸؛ پونست و همکاران، ۲۰۱۰؛ چن و همکاران، ۲۰۱۲). در ادبیات موجود مستند شده است که ارتباط سیاسی از طریق دسترسی آسان به منابع خارجی و قراردادهای مبتنی بر روابط، منابع ارزشمندی برای شرکت فراهم می‌کند و بر تصمیم‌های سرمایه گذاری اثر می‌گذارد (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸؛ هوستن و همکاران، ۲۰۱۴؛ پیوتروسکی و ژانگ، ۲۰۱۴). ارتباطات سیاسی در تخصیص وام‌های بانکی شرکت‌ها نقش بسزایی دارد، براساس شواهد بدست آمده شرکتهای دولتی ارتباطات سیاسی را ترجیح می‌دهند (فیث و

همکاران، ۲۰۰۷). ارتباط سیاسی، سود های چشمگیری را به شرکت ها ارائه می کند، اثبات شده است که شرکت های سیاسی وقتی که با مشکلات مالی مواجه می شوند نسبت به شرکت های غیر مرتب مشتبه بیشتر احتمال دارد به ضمانت آزاد شوند (فاسیو، ۲۰۰۶).

با توجه به مراتب فوق و اثرات ارتباطات سیاسی و بحران مالی بر حق الزحمه حسابرسی، این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که ارتباطات سیاسی با بحران مالی و حق الزحمه حسابرسی چه رابطه ای دارند؟

تعاریف مفهومی واژگان کلیدی

ارتباطات سیاسی: رفتار سیاسی شامل فعالیت هایی است که در یک سازمان برای اکتساب، توسعه، استفاده از قدرت و سایر منابع برای حصول اولویت های یک فرد در موقعیتی که در آن عدم اطمینان (یا عدم توافق) در مورد گزینه ها وجود داشته باشد، صورت می پذیرد (حاجیها و آریان منفرد، ۱۳۸۹).

حق الزحمه حسابرسی: حق الزحمه حسابرسی وابسته به نرخ هر ساعت کار حسابرسی و تعداد ساعات کار حسابرسی است که بسته به نظر حسابرس درباره پیش بینی ریسک خطا و اشتباه در صورت های مالی، متغیر است. وجود کنترل های قوی در شرکت، حسن شهرت مدیران، اندازه شرکت مورد رسیدگی و تعداد شرکت های فرعی، بر پیش بینی حسابرس از ریسک و ساعات مورد نیاز برای حسابرسی تاثیر می گذارد. در نهایت، حسابرس به برآورد ریسکی می پردازد که از تمرکز مدیریت، شدت وجود مسئله نمایندگی و سایر عوامل نشأت می گیرد و با توجه به آن، کار حسابرسی را برنامه ریزی کرده و حق الزحمه خود را تعیین می کند (بن علی و لسیج، ۲۰۱۲).

بحران مالی: فاستر (۱۹۸۶) بین بحران مالی و ورشکستگی تمایز قایل می شود و شرکت ها را به چهار دسته تقسیم می کند: شرکت های فاقد بحران مالی و غیر ورشکسته، شرکت های دارای بحران مالی و غیر ورشکسته، شرکت های فاقد بحران مالی ولی ورشکسته و در نهایت شرکت های دارای بحران مالی و ورشکسته. فاستر معتقد است که شرکت های دارای بحران مالی ولی غیر ورشکسته می توانند مشکلات نقدینگی خود را از طریق تجدید ساختار عمده یا ترکیب با شرکت دیگری حل کنند. وی بحران مالی را به عنوان مشکلات نقدینگی تعریف می کند که نمی توان آن را بدون تجدید در ساختار یا عملیات قابل ملاحظه، حل کرد.

پیشینه تحقیق

الف- تحقیقات داخلی

واعظ و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. معیارهای کیفیت حسابرسی در این پژوهش اندازه های موسسه های حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و تداوم انتخاب حسابرس در نظر گرفته شده است. به همین منظور داده های مربوط به ۷۲ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره های زمانی بین سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفت. برای آزمون فرضیه ها از تکنیک رگرسیون چند متغیره به روش داده های تابلویی استفاده شد. یافته ها نشان داد بین تخصص موسسات حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش مبین این است که عوامل تداوم انتخاب حسابرس و اندازه های موسسه های حسابرسی رابطه مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند.

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه‌ی بین حق الزحمه حسابرس و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا بالا بودن حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌تواند کیفیت حسابرسی را بالا ببرد یا خیر؟ و همچنین، آیا انتخاب حسابرس باتجربه‌تر می‌تواند باعث افزایش کیفیت حسابرسی شود؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها نمونه‌ای به تعداد ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش از روش داده‌های ترکیبی برای برآورد مدل و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. همچنین برای تعیین نوع مدل مورد استفاده در روش داده‌های ترکیبی، از آزمون چاو و هاسمن استفاده شده است. با توجه به نتایج این آزمون‌ها مدل اثرات ثابت در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، حاکی از این است که تغییر حق الزحمه حسابرس بر کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ب- تحقیقات خارجی

دنيس و دنيس (۱۹۹۵) شرکت‌هایی را که بیش از ۳ سال متوالی زیان داده اند را شرکت‌های درمانده مالی معرفی می‌کنند. گیلبرت، منون و شوارتز (۱۹۹۰) نیز استدلال کردند که وجود زیان برای بیش از ۳ سال متوالی، حاکی از درماندگی مالی شرکت‌هاست و این گونه شرکت‌ها با تهدید ورشکستگی مواجه اند. لا (۱۹۸۷) و وارد و فاستر (۱۹۹۷) نیز کاهش سود تقسیمی بیشتر از ۴۰ درصد را معیاری برای شناخت درماندگی مالی معرفی کردند، چنین کاهش می‌تواند بر رفتار سرمایه‌گذاری صاحبان سهام اثر معکوس بگذارد. به اعتقاد اسکوییس، جنتر و اسکارفستین (۱۹۹۴) شرکتی در دسته شرکت‌های درمانده مالی قرار می‌گیرد که در دومین سال از دو سال متوالی، سود قبل از بهره و مالیات، و استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود آن کمتر از ۸۰ درصد هزینه بهره شرکت باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق به دلیل اینکه متغیر مستقل به وسیله محقق دستکاری نمی‌شود از نوع تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) می‌باشد و از آنجا که به منظور بررسی روابط علی ممکن، از داده‌های قدیمی و اطلاعات تاریخی استفاده، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود و روابط علی پس از وقوع مورد بررسی قرار می‌گیرند روش تحقیق از نوع پس رویدادی (علی - مقایسه‌ای) می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری

برای اجرای هر پژوهش لازم است جامعه آماری مشخص و معین شود. برای انتخاب جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رجوع شده است، چرا که؛ اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط حسابداران رسمی، حسابرسی می‌شود، لذا نسبت به اطلاعات سایر شرکت‌ها از قابلیت اتکاء بالاتری برخوردار است. و دسترسی به این اطلاعات نسبت به سایر شرکت‌ها راحت‌تر است. به منظور انجام تحقیق، در هر سال از سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶، اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، که دارای ویژگیهای زیر می‌باشند جمع‌آوری می‌گردد:

جدول ۱: انتخاب نمونه آماری با اعمال محدودیت ها و شرایط جامعه

| شرکت | محدودیت ها و شرایط |
|------|---|
| ۵۵۲ | کل شرکتهای موجود در پایان سال ۱۳۹۶ |
| ۱۰۹ | حذف شرکتهای بازار اول و بازار دوم فرابورس |
| ۱۱۷ | حذف شرکتهای لغو پذیرش شده |
| ۷۳ | حذف شرکتهای غیر از دوره منتهی به تاریخ ۲۹ اسفند ماه و خارج شده از بورس، شرکتهایی که دوره مالی خود را تغییر داده اند |
| ۴۸ | حذف شرکتهای هلدینگ، بانکها و سرمایه گذاری |
| ۳۷ | حذف شرکتهایی اطلاعات مالی آنها قابل دسترس نیست |
| ۵۸ | حذف شرکتهایی که توقف معاملاتی بیش از ۶ ماه داشته اند |
| ۱۱۰ | تعداد شرکت های موجود در جامعه آماری بعد از اعمال محدودیت ها و شرایط |

لذا شرکتهایی که حائز شرایط فوق نباشند از نمونه آماری بشمار نیامدند که با توجه به شرایط بالا از بین ۵۵۲ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، تعداد اعضای نمونه آماری تعریف می شود. با توجه به رعایت شرایط یاد شده بالا و با استفاده از روش حذف سیستماتیک از بین شرکتهای واجد شرایط تعداد ۱۱۰ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرهای وابسته

(حق الزحمه حسابرسی LAF):

حق الزحمه حسابرس (LAF) بر اساس لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرس، اندازه گیری می شود. علت استفاده از لگاریتم طبیعی در محاسبه حق الزحمه حسابرس، همگن کردن حق الزحمه شرکتهای بسیار و کوچک است. این روش در همه پژوهش های قبلی استفاده شده است (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۵).

(بحران مالی CRISIS):

در این پژوهش سه معیار زیر، نشان دهنده وجود بحران مالی (CRISIS) در شرکت است:

۱. زیان مالی در سه سال متوالی (زیان عملیاتی، زیان خالص یا زیان انباشته) (جاتادج، ۲۰۰۶).
 ۲. سود تقسیمی هر سال نسبت به سال قبل بیش از ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده باشد (جاتادج، ۲۰۰۶).
 ۳. مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت باشد (بر اثر زیان های وارد شده حداقل ۵۰ درصد سرمایه شرکت از بین رفته باشد).
- چنانچه شرکتی یکی از این سه شرط بالا را داشته باشد، دارای بحران محسوب می شود. به شرکت هایی که بحران مالی دارند، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر داده می شود (اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۴) و (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

متغیر مستقل

(ارتباطات سیاسی POL):

چند معیار به روش تاپسیس و وزن دهی به روش آنتروپی تعیین شدند. برای تفکیک شرکت‌های سیاسی و غیرسیاسی، از متغیرهای هزینه‌های سیاسی (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶) به شرح زیر استفاده شده است: ارزش بازار سهام: هر چه ارزش بازار سهام بیشتر باشد، احتمال ارتباطات سیاسی بیشتر است. ارزش دفتری دارایی‌ها: هر چه ارزش دفتری دارایی‌ها بیشتر باشد، احتمال ارتباطات سیاسی بیشتر است. مالیات بر درآمد: براساس تئوری هزینه سیاسی، هر چه مالیات بر درآمد بیشتر باشد، احتمال ارتباطات سیاسی بیشتر است (ارتباط با وزارت اقتصاد). جمع فروش صادراتی: هر چه فروش صادراتی بیشتر باشد، احتمال ارتباطات سیاسی بیشتر است (ارتباط با وزارت صنعت، معدن و تجارت).

رتبه بالاتر شرکت‌ها از مجموعه عوامل فوق، بیانگر ارتباطات گسترده‌تر و سیاسی بودن شرکت‌ها است. اساس این روش بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه حل ایده‌آل مثبت (شاخص سود) و بیشترین فاصله را با ایده‌آل منفی (شاخص هزینه) داشته باشد

ماتریس تصمیم برای تفکیک شرکت‌های سیاسی و غیرسیاسی در روش تاپسیس در جدول ۱ آمده است.

جدول ۲: ماتریس تصمیم برای تفکیک شرکت‌های سیاسی و غیر سیاسی

| شرکت‌ها در هر سال / متغیرها | ارزش بازار | دارایی‌ها | مالیات بر درآمد | بیمه پرداختی | تعداد کارکنان | فروش صادراتی |
|-----------------------------|------------|-----------|-----------------|--------------|---------------|--------------|
| X1 | X11 | X12 | X13 | X14 | X15 | X1m |
| X2 | X21 | X22 | X23 | X24 | X25 | X2m |
| . | . | . | . | . | . | . |
| . | . | . | . | . | . | . |
| Xn | Xn1 | Xn2 | Xn3 | Xn4 | Xn5 | Xnm |

در این ماتریس، شاخصی که دارای مطلوبیت یکنواخت افزایشی (جنبه مثبت) است، شاخص سود نامیده می‌شود و شاخصی که مطلوبیت یکنواخت کاهشی (جنبه منفی) دارد، شاخص هزینه است. در این پژوهش مطابق جدول ۲ شاخص‌های تفکیک شرکت‌های دارای تعاملات سیاسی گسترده با دولت، از مطلوبیت یکنواخت افزایشی (جنبه مثبت) برخوردارند، بنابراین شاخص سود به حساب می‌آیند. همچنین، از آنجا که شاخص‌ها برای تصمیم‌گیرنده اهمیت یکسانی ندارند، نخست وزن شاخص‌ها بر اساس روش آنتروپی شانون به دست آمد و پس از آن به الگوریتم تاپسیس وارد شدند. برای محاسبه وزن شاخص‌ها ابتدا ماتریس تصمیم‌گیری مطابق جدول ۲ تشکیل می‌شود. در این جدول $X_{i,j}$ ارزش شاخص‌های متناسب با هر گزینه است. برای اجرای فرایند یک آنتروپی ابتدا $P_{i,j}$ را متناسب با رابطه ۱ محاسبه می‌شود.

$$P_{i,j} = \frac{X_{i,j}}{\sum_{i=1}^m X_{i,j}}; \forall i,j \quad \text{رابطه ۱}$$

مرحله دوم، محاسبه شاخص عدم اطمینان است. برای این منظور ابتدا ارزشی به نام E_j به صورت رابطه ۲ محاسبه می شود، سپس عدم اطمینان با درجه انحراف d_j که بیان می کند شاخص مربوطه چه میزان اطلاعات مفید برای تصمیم گیری در اختیار تصمیم گیرنده قرار می دهد، به دست می آید. این عدم اطمینان به کمک رابطه ۳ محاسبه می شود.

رابطه ۲

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m (P_{i,j} \times \ln P_{i,j}); \forall i,j, k; k = \frac{1}{\ln m}$$

$$d_j = 1 - E_j; \forall j$$

رابطه ۳

در نهایت وزن شاخص ها مطابق رابطه ۴ محاسبه می شود.

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{i=1}^n d_j}$$

رابطه ۴

در صورتی که تصمیم گیرنده از قبل وزن خاصی λ_j را برای شاخص در نظر گرفته باشد، وزن جدید W'_j به صورت رابطه ۵ محاسبه می شود.

$$W'_j = \frac{\lambda_j W_j}{\sum_{j=1}^n \lambda_j W_j}$$

رابطه ۵

برای رتبه بندی به روش تاپسیس، در گام اول ماتریس تصمیم نرمال شده محاسبه می شود؛ در گام دوم ماتریس تصمیم نرمال موزون به دست می آید؛ در گام سوم راه حل ایده آل مثبت و راه حل ایده آل منفی تعیین می شود؛ گام چهارم بدست آوردن میزان فاصله هر گزینه با ایده آل های مثبت و منفی است؛ در گام پنجم نزدیکی نسبی گزینه به راه حل ایده آل تعیین شده و در گام ششم گزینه ها رتبه بندی می شوند.

بعد از اینکه شرکت های نمونه از طریق الگوی تصمیم گیری چند معیاره به روش تاپسیس و وزن دهی به روش آنتروپی اندازه گیری و رتبه بندی شدند، در دو دسته جای گرفتند. دسته ای که از رتبه بالاتری داشت (پنجک اول)، شرکت های دارای ارتباطات گسترده سیاسی نام گرفت و به آن ها عدد ۱ اختصاص یافت و دسته ای که کمترین رتبه را کسب کرد (پنجک دوم الی پنجم)، شرکت های دارای ارتباطات محدود سیاسی شناسایی شد و به آن ها صفر تعلق گرفت. رتبه بندی گزینه ها به ترتیب ارجحیت و براساس نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل صورت گرفت. گزینه مطلوب گزینه ای است که از لحاظ نسبی، نزدیکی بیشتری به راه حل ایده آل داشته باشد (بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه، ۱۳۹۷).

نتایج و یافته های پژوهش

ابتدا متغیرهای تحقیق به لحاظ آماری توصیف و بررسی می شوند. در ادامه، فرضیات تحقیق از طریق نرم افزار ایویور نسخه ۱۰ در سطح اطمینان ۹۵ درصد اجرا و نتایج حاصل ارائه می شود. در هر یک از آزمون های رگرسیونی، نحوه انتخاب روش مناسب برای تخمین و برقراری فرض های اساسی رگرسیون، به جهت دستیابی به نتایج معتبر، مورد توجه قرار گرفته است. علائم اختصاری متغیرهای پژوهش در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳: علائم اختصاری متغیرهای پژوهش

| نوع متغیر | نام متغیر | نماد |
|-----------------|--------------------------|--------|
| متغیرهای وابسته | حق الزحمه حسابرسی | LAF |
| | بحران مالی | CRISIS |
| متغیر مستقل | ارتباطات سیاسی | POL |
| متغیرهای کنترلی | اندازه شرکت | SIZE |
| | اهرم مالی | LEV |
| | بازده داراییها | ROA |
| | ارزش بازار به ارزش دفتری | MB |

یافته‌های توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۴)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۱۰ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۶ ساله (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶) می‌باشد.

جدول ۴: آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

| نام متغیر | تعداد | میانگین | میانه | بیشترین | کمترین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
|-----------|-------|---------|--------|---------|--------|--------------|--------|--------|
| LAF | ۶۶۰ | ۳,۵۶ | ۵,۶۵ | ۹,۲۲۵ | ۰,۰۰۰ | ۳,۴۶۹ | -۰,۰۱۴ | ۱,۰۷۶ |
| SIZE | ۶۶۰ | ۱۴,۵۱۳ | ۱۴,۱۶۳ | ۱۹,۳۷۴ | ۱۱,۴۵۱ | ۱,۵۳۳ | ۰,۹۶۷ | ۳,۷۴۸ |
| LEV | ۶۶۰ | ۰,۶۱۲ | ۰,۶۱۵ | ۴,۰۰۲ | ۰,۰۶۵ | ۰,۲۷۸ | ۳,۵۱۱ | ۳۹,۳۰۷ |
| ROA | ۶۶۰ | ۰,۱۰۸ | ۰,۰۹ | ۰,۶۳۱ | -۰,۷۸۹ | ۰,۱۴۳ | -۰,۲۰۶ | ۷,۷۹۸ |
| MB | ۶۶۰ | ۱,۹۰۷ | ۱,۶۲۶ | ۷,۴۱ | ۰,۸۱۷ | ۰,۹۱۷ | ۲,۰۰۱ | ۸,۷۵۳ |

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر حق الزحمه حسابرسی برابر با (۳,۵۶) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای حق الزحمه حسابرسی برابر با ۳,۴۶۹ و برای بازده دارایی‌ها برابر است با ۰,۱۴۳ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اهرم مالی برابر با ۴,۰۰۲ است. که مربوط به شرکت پتروشیمی فارابی در سال ۱۳۹۶ می‌باشد که کل بدهی‌های آن ۱,۳۹۴,۲۹۴ بوده و کل دارایی‌های آن ۳۴۸,۳۳۸ می‌باشد که از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها عدد ۰,۹۹۱ بدست می‌آید.

جدول ۵: توزیع فراوانی متغیر بحران مالی

| شرح | فراوانی | درصد فراوانی |
|---------------------------|---------|--------------|
| شرکت‌های فاقد بحران مالی | ۴۰۷ | ۶۱,۶۷ |
| شرکت‌های دارای بحران مالی | ۲۵۳ | ۳۸,۳۳ |
| جمع کل | ۶۶۰ | ۱۰۰ |

همان‌طور که در جدول ۵ قابل مشاهده است، جمع کل شرکت -سال‌های مورد بررسی برابر با ۶۶۰ می‌باشد که از بین آن‌ها تعداد ۲۵۳ شرکت -سال یعنی ۳۷,۳۳ درصد شرکت‌های دارای بحران مالی و ۴۰۷ شرکت -سال معادل ۶۱,۶۷ درصد شرکت‌های فاقد بحران مالی هستند.

جدول ۶: توزیع فراوانی متغیر ارتباطات سیاسی

| شرح | فراوانی | درصد فراوانی |
|-------------------------------|---------|--------------|
| شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی | ۳۳۰ | ۵۰ |
| شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی | ۳۳۰ | ۵۰ |
| جمع کل | ۶۶۰ | ۱۰۰ |

همچنین مطابق با جدول ۶، از بین ۶۶۰ شرکت، تعداد ۳۳۰ شرکت -سال یعنی ۵۰ درصد شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی و ۳۳۰ شرکت -سال معادل ۵۰ درصد شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی هستند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش (یافته‌های استنباطی)

در این قسمت به تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار استنباطی پرداخته می‌شود. ابتدا متغیرها از نظر نرمال بودن و مانا بودن مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت پس از برآورد مدل با الگوی تعیین شده، مفروضات رگرسیون بررسی و مدل به صورت نهایی برازش شده است.

آزمون نرمال بودن داده‌ها

نرمال بودن متغیرها (به خصوص متغیر وابسته در مدل‌های رگرسیونی)، شرط اولیه انجام کلیه آزمون‌های پارامتریک می‌باشد. به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون جارک-برا استفاده شده است. در این آزمون‌ها هرگاه سطح معنی‌داری کمتر از ۵٪ باشد ($\text{Sig} < 5\%$)، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.

مفروضات آزمون به‌قرار زیر می‌باشد:

H_0 : توزیع داده‌ها نرمال است.

H_1 : توزیع داده‌ها نرمال نیست.

نتایج آزمون تشخیص توزیع نرمال در جدول ۷ ارائه شده است:

جدول ۷: آزمون جارک-برا

| نتیجه | سطح معناداری | آماره آزمون | متغیر |
|-------------------|--------------|-------------|-------|
| توزیع نرمال ندارد | ۰,۰۰۰۰ | ۱۰۱,۷۷۱ | LAF |
| توزیع نرمال ندارد | ۰,۰۰۰۰ | ۱۱۸,۲۸۷ | SIZE |
| توزیع نرمال ندارد | ۰,۰۰۰۰ | ۳۷۶۰۸,۶۶ | LEV |
| توزیع نرمال ندارد | ۰,۰۰۰۰ | ۶۳۷,۹۳۵ | ROA |
| توزیع نرمال ندارد | ۰,۰۰۰۰ | ۱۳۵۵,۲۴۷ | MB |

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۷ سطح معنی داری طبق آزمون تشخیص توزیع نرمال جارک-برا همه متغیرها کمتر از ۵ درصد می باشد. لذا داده ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. از آنجایی که نرمال بودن خطاهای مدلها نشان دهنده ی نرمال بودن ترکیب متغیرها می باشد آزمون نرمال بودن خطاهای مدلها بررسی گردید و مشخص شد که خطاها از توزیع نرمال برخوردارند.

آزمون جارک- برا برای باقی مانده ها

جدول ۸: نتایج آزمون جارک- برا برای باقیمانده ها

| نتیجه | سطح معناداری | آماره آزمون | فرضیه (مدل) |
|------------------|--------------|-------------|-----------------|
| توزیع نرمال دارد | ۰,۸۳۲ | ۰,۳۶۷ | فرضیه (مدل) اول |
| توزیع نرمال دارد | ۰,۴۱۳ | ۱,۷۶۴ | فرضیه (مدل) دوم |

طبق نتایج حاصل از آزمون جارک- برا برای جملات اخلاص مدلها، چون سطح معناداری آزمون برای مدل های دوم و سوم پژوهش بیشتر از ۵ درصد می باشد بنابراین بیانگر نرمال بودن جملات اخلاص می باشد.

آزمون مانایی متغیرها

مطابق ادبیات اقتصادسنجی لازم است قبل از برآورد مدل، مانایی متغیرها بررسی گردد. استفاده از آزمون هایی نظیر دیکی- فولر^۱ و فیلیپس- پرون^۲ برای داده های پانل توصیه نمی شود زیرا قدرت اندکی در تشخیص مانایی دارند. برای حصول اطمینان به آزمون های مانایی قوی تر در مدل های پانل، پیشنهاد می شود که داده ها را تجمیع^۳ نموده و سپس مانایی بررسی گردد. برای بررسی وجود ریشه واحد در داده های پانل، می توان از آزمون لوین، لین و چو استفاده کرد که نتایج آن به صورت جدول ۹ عرضه می گردد.

¹ Dicky Fuller

² Philips Pron

³ Pool

جدول ۹: آزمون مانایی (لوین، لین و چو) برای تمامی متغیرهای پژوهش

| متغیر | آماره آزمون | سطح معناداری | نتیجه |
|-------|-------------|--------------|----------|
| LAF | -۶۶۱,۹۰۲۹ | ۰,۰۰۰۰ | مانا است |
| SIZE | -۳۵,۰۱۶۶ | ۰,۰۰۰۰ | مانا است |
| LEV | -۴۷,۲۷۱۵ | ۰,۰۰۰۰ | مانا است |
| ROA | -۳۱,۵۵۳۴ | ۰,۰۰۰۰ | مانا است |
| MB | -۷۰,۳۹۲ | ۰,۰۰۰۰ | مانا است |

با توجه به جدول ۹ مشاهده می‌شود که سطح معنی داری متغیرها در آزمون مانایی همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول را می‌توان به صورت زیر نوشت:

فرضیه صفر: بین ارتباطات سیاسی و بحران مالی رابطه وجود ندارد.

فرضیه مقابل: بین ارتباطات سیاسی و بحران مالی رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰: نتیجه آزمون فرضیه اول

| $CRISIS_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 POL_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 M/B_{i,t} + \varepsilon$ | | | | | |
|---|------|---------|----------------|---------|--------------|
| متغیر وابسته: بحران مالی | | | | | |
| متغیر | نماد | ضرایب | خطای استاندارد | آماره z | سطح معناداری |
| ارتباطات سیاسی | POL | -۰,۲۲۴ | ۰,۰۵۴ | -۴,۱۴۲ | ۰,۰۰۰۰ |
| اندازه شرکت | SIZE | -۰,۱۴۵ | ۰,۰۳۲ | -۴,۴۶۶ | ۰,۰۰۰۰ |
| اهرم مالی | LEV | ۱,۱۶۳ | ۰,۴۷۴ | ۲,۴۵ | ۰,۰۱۴۳ |
| بازده دارایی‌ها | ROA | -۱۰,۷۸۲ | ۱,۳۶۲ | -۷,۹۱۳ | ۰,۰۰۰۰ |
| ارزش بازار به ارزش دفتری | MB | -۰,۰۷۴ | ۰,۱۵۵ | -۰,۴۷۶ | ۰,۶۳۳۹ |
| عرض از مبدأ | | ۰,۳۳۶ | ۱,۰۱۷ | ۰,۳۳۱ | ۰,۷۴۰۵ |
| سایر آماره‌های اطلاعاتی | | | | | |
| آماره LR | | | ۲۰۰,۷۶۴۳ | | |
| سطح معنی داری LR (Prob.) | | | ۰,۰۰۰۰ | | |
| ضریب مک فادن | | | ۴۵ درصد | | |

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که متغیر ارتباطات سیاسی شرکت با ضریب (-۰,۲۲۴) و سطح معنی داری (۰,۰۰۰) رابطه معکوس و معناداری با بحران مالی دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. متغیر کنترل اهرم مالی دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد ولی متغیرهای کنترل اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند. متغیر کنترل ارزش بازار به ارزش دفتری دارای سطح معناداری بیشتر

از ۵ درصد می‌باشد از این رو رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارد. ضریب مک فادن برابر با ۴۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره LR برابر با ۲۰۰,۷۶۴۳ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم را می‌توان به صورت زیر نوشت:

فرضیه صفر: بین ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه وجود ندارد.

فرضیه مقابل: بین ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه وجود دارد.

جدول ۱۱: نتیجه آزمون فرضیه دوم

| $LAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 POL_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 M/B_{i,t} + \varepsilon$ | | | | | | |
|--|------|--------|----------------|----------|--------------|--------|
| متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی | | | | | | |
| متغیرها | نماد | ضرایب | خطای استاندارد | آماره t | سطح معناداری | هم خطی |
| ارتباطات سیاسی | POL | -۰,۱۲۵ | ۰,۰۱۵ | -۷,۹۷۴ | ۰,۰۰۰۰ | ۱,۰۲ |
| اندازه شرکت | SIZE | ۰,۰۵۳ | ۰,۰۱۸ | ۲,۹۲۷ | ۰,۰۰۳۶ | ۱,۰۷۹ |
| اهرم مالی | LEV | -۰,۰۶۳ | ۰,۰۳ | -۲,۰۳۳ | ۰,۰۴۲۷ | ۱,۵۹۲ |
| بازده داراییها | ROA | -۰,۲۷۴ | ۰,۰۵۶ | -۴,۹۰۸ | ۰,۰۰۰۰ | ۱,۹۱۲ |
| ارزش بازار به ارزش دفتری | MB | ۰,۰۰۳ | ۰,۰۰۵ | ۰,۶۲۷ | ۰,۵۳۰۶ | ۱,۳۳۴ |
| C | | ۲,۸۲۱ | ۰,۲۸۶ | ۹,۸۵ | ۰,۰۰۰۰ | --- |
| AR (1) | | ۰,۲۷۹ | ۰,۰۲۶ | ۱۰,۴۰۵ | ۰,۰۰۰۰ | --- |
| ضریب تعیین | | | | ۵۴ درصد | | |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | | | ۵۳ درصد | | |
| آماره F | | | | ۱۳۹۷,۲۸۶ | | |
| سطح معناداری | | | | ۰,۰۰۰۰ | | |
| دوربین واتسون | | | | ۲,۱۷۶ | | |

نتایج جدول ۱۱، نشان می‌دهد که متغیر ارتباطات سیاسی با ضریب (-۰,۱۲۵) و سطح معناداری (۰,۰۰۰۰) تاثیر مستقیم و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد و فرضیه دوم پذیرفته می‌شود. متغیر کنترلی اندازه شرکت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارد ولی متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده داراییها دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند. متغیر کنترلی ارزش بازار به ارزش دفتری دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۵۳ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر برابر با ۱۳۹۷,۲۸۶ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آماره دوربین-

واتسون برابر با ۲,۱۷۶ می‌باشد و با قرار گرفتن در بازه ۱,۵ الی ۲,۵ ناشی از عدم خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش می‌باشد.

پیشنهادات بر اساس فرضیه های پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی با بحران مالی شرکتها و حق الزحمه حسابرسی بود. در این راستا بحران مالی شرکتها، ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی به عنوان متغیرهای وابسته، مستقل پژوهش بودند. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که تعداد ۱۱۰ شرکت به عنوان نمونه پژوهش در بازه زمانی ۶ ساله بین سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ مورد تحقیق قرار گرفتند. سه فرضیه در این پژوهش مطرح گردید که پس از بررسی و آزمونهای مربوطه با توجه نتایج فرضیه اول مشخص گردید که متغیر ارتباطات سیاسی دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و ضریب منفی بوده بنابراین می‌توان گفت که بین ارتباطات سیاسی و بحران مالی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. بدین معنی که وجود ارتباطات سیاسی قوی شرکت منجر به کاهش بحران مالی آن می‌گردد. طبق نتایج فرضیه دوم می‌توان گفت که بین ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. بدین معنی که وجود ارتباطات سیاسی قوی شرکت منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌گردد. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با مبانی نظری و تحقیقات زارع پور و فرهادی‌اندرابی (۱۳۹۷) است آنها در پژوهشی نشان دادند که ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر معکوس و معنادار دارد.

پیشنهادات کاربردی

- با توجه به نتایج پژوهش و تأثیر ارتباطات سیاسی بر بحران مالی و حق الزحمه حسابرسی، به تحلیلگران توصیه می‌شود در تحلیلهای خود به ارتباطات سیاسی شرکتها توجه ویژه نمایند چون شناخت این خصوصیات عاملی مهم در ارزش شرکت می‌باشد.
- به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که ارتباطات سیاسی آنها بالاست چون در این شرکتها امکان رخداد بحران مالی پایین است.
- به شرکتها پیشنهاد می‌شود از مدیران با ارتباطات سیاسی قوی در هیئت مدیره بهره ببرند تا هم هزینه خدمات حسابرسی کاهش یابد و هم امکان دسترسی به منابع مالی افزایش یافته و شرکت دچار بحران مالی نگردد.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- پیشنهاد می‌شود ارتباط بین ارتباطات سیاسی با بحران مالی شرکتها و حق الزحمه حسابرسی با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی چرخه عمر شرکت انجام شود.
- پیشنهاد می‌شود ارتباط بین ارتباطات سیاسی با بحران مالی شرکتها و حق الزحمه حسابرسی به تفکیک صنایع مختلف انجام گیرد و نتایج مقایسه گردد.
- پیشنهاد می‌شود ارتباط بین ارتباطات سیاسی با بحران مالی شرکتها و حق الزحمه حسابرسی با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کمیته حسابرسی انجام شود.

منابع

- ✓ ابراهیمی، سیدکاظم، بهرامی نسب، علی، ممشلی، رضا، (۱۳۹۵)، تاثیر بحران مالی بر کیفیت سود، مجله علمی پژوهشی بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۴۱۵-۴۳۴.
- ✓ اعتمادی، حسین، عبدلی، لیلا، (۱۳۹۴)، هموارسازی سود و عملکرد قیمت سهام در بحران مالی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱-۲۸.
- ✓ بادآور نهندی، یونس، تقی زاده خانقاه، وحید، (۱۳۹۷)، تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت، فصلنامه بررسی حسابداری و حسابرسی، مقاله ۱، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۹۸.
- ✓ پورحیدری، امید، گل محمدی شورکی، مجتبی، (۱۳۹۴)، سنجش رقابت در بازار خدمات حسابرسی از طریق بررسی چسبندگی حق الزحمه حسابرسی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۱-۲۱.
- ✓ حاجیه‌ها، زهره، آریان منفرد، حمیدرضا، (۱۳۸۹)، رابطه رفتار سیاسی مدیران ارشد مالی و شاخص های عملکرد مالی شرکتها، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۶۱-۱۸۶.
- ✓ خدادادی، ولی، ویسی، سجاد، چراغی نیا، علی، (۱۳۹۵)، عدم قطعیت مدیریت و حق الزحمه حسابرسی، مجله دانش حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۰۹-۱۳۳.
- ✓ تنانی، محسن، نیکبخت، محمدرضا، (۱۳۸۹)، آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت های مالی، پژوهش های حسابداری مالی، تابستان ۱۳۸۹، سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴). صص ۱۱۱-۱۳۳.
- ✓ داروغه حضرتی، فاطمه، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
- ✓ نیکبخت، محمد رضا، شعبان زاده، مهدی، کنارکار، امین، (۱۳۹۵)، رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی، مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره دوم، شماره ۱، صص ۱۹۰-۲۰۸.
- ✓ واعظ سیدعلی، رمضان احمدی، محمد، رشیدی باغی، محسن، (۱۳۹۳)، تاثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت ها، دانش حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۷.
- ✓ Asquith P, R. Gertner and D. Scharfstein (1994), "Anatomy of Financial Distress: An Examination of Junk-bond Issuers." Quarterly Journal of Economics, 109(3), pp.1189-1222.
- ✓ Ben Ali, C. & Lesage, C. (2012), Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France, China Journal of Accounting Research, 6 (1): 21-34.
- ✓ Craswell, A., Francis, J. and Taylor, S. (1995), "Auditor brand name reputation and industry specialization", Journal of Accounting and Economics, Vol. 20, pp. 297-322.
- ✓ Chen, S., Wang, K., & Li, X. (2012). Product market competition, ultimate controlling structure and related party transactions. China Journal of Accounting Research, 5, 293-306.
- ✓ Claessens, S., Feijen, E., Laeven, L., (2008). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. Journal of Financial Economics, 88 (3), 554-580.
- ✓ Faccio, M., (2006), Politically connected firms, The American Economic Review 96, 369- 386.
- ✓ Faccio, Mara, Ronald Masulis, and John McConnell, (2006), "Political Connections and Corporate Bailouts", Journal of Finance 61(6), PP. 2597-2635.

- ✓ Firth, M., Fung, P. M., & Rui, O. M. (2007). Ownership, two-tier board structure, and the informativeness of earnings—Evidence from China. *Journal of accounting and public policy*. 26 (4): 463-496.
- ✓ Houston, J., Jiang, L., Lin, C., Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52(1), 193-243.
- ✓ Jantadej, P. (2006). Using the Combination of Cash Flow Components to Predict Finance Distress. Ph.D. Thesis. The Graduate College at the University of Nebraska.
- ✓ Lin, C., and D. Su, (2008), Industrial diversification, partial privatization and firm valuation: evidence from publicly listed firms in China, *Journal of Corporate Finance* 14, 405–417.
- ✓ Lau, A. H. (1987). A five-stage financial distress prediction model. *Journal of Accounting Research*, 25(1), 127-138.
- ✓ McKee, T. M., Eilifsen. A., Lensberg, T.(2006), "Bankruptcy theory development and classification via genetic programming", *European Journal of Operational Research*, 169, pp 667-697.
- ✓ Palmrose , Z.V. (1986)." Audit fees and auditor size: further evidence". *Journal of accounting research*, 24(1), pp. 97-110.
- ✓ Piotroski, J., Zhang, T. (2014). Politicians and the IPO decision: The impact of impending political promotions on IPO activity in China. *Journal of Financial Economics*, 111 (1), 111-136.
- ✓ Poncet, S., W. Steingress, and H. Vandenbussche, (2010), Financial constraints in China: firm-level evidence, *China Economic Review* 21, 411–422.
- ✓ Shapiro, C. (1983), "Premiums for high quality products as returns to reputations", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 97, pp. 659-679.